

20 مارچ 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

## شاه امان الله غازی - بانی تحول در زندگی زن افغان

(به مناسبت روز جهانی زن)

(قسمت هفتم)

اقدامات شاه و ملکه در مورد زنان پس از برگشت به وطن:

سفر هشت ماهه شاه و ملکه به خارج با یک نتیجه بسیار مهم و سرنوشت ساز توأم بود، آنهم مجذوبیت بسیار جدی شاه به آزادی ها و پیشرفت های صنعتی و جدید آن کشورها که هنگام برگشت به وطن بدون تأمل و رعایت شرایط عینی و ذهنی کشور به ادامه نوآوریها پرداخت. این اقدامات که بیشتر ماهیت شکلی داشتند، درحالی به منصفه اجراء گذاشته شدند که مخالفان شاه به تحریک انگلیس ها در غیاب او قبلاً بساط قیام را هموار کرده و مخفیانه دست به تحریک اقوام زده بودند و موجبات یک اغتشاش دیگر را مساعد ساخته بودند (راجع به جریان مفصل سفر شاه امان الله مراجعه شود به: کلیکی فوفلزائی: "سفرهای... صفحات متعدد؛ همچنان آدامک، لودویک: "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست، مترجم: پوهاند محمدفاضل صاحبزاده، چاپ دوم، پشاور، 1370، صفحات 162 تا 187)



(عکس مقابل : برگشت شاه و ملکه به وطن از طریق هرات و قندهار به کابل که با استقبال پر جوش مردم بدرقه شدند)

ملکه ثریا بعد از ورود به کابل در یک مقاله که در امان افغان مورخ 5 سرطان 1307 (25 جولای 1928) به چاپ رسید، چنین نوشت: «قبل از اسلام زنان مطیع و فرمانبردار شوهر، والدین و پسران خود بودند، لکن اسلام به آنها حقوق مساوی بامردان داد.» او در

مورد چادری گفت: «عنعنه و رسوم رفته رفته شکل مذهبی به خود گرفت که در همه ادیان و کشورها دیده میشود، طوریکه چادری امروز در وطن ما یک عمل عنعنوی بوده که تدریجاً جای خود را در دین و مذهب باز کرد و به آن صبغه دینی و مذهبی داده اند»؛ ملکه قبل از آن خطاب به دختران مکتب گفت: «وقت پوشیدن چادری سپری گردیده کوشش کنید آنرا از بین ببرید و اما مجبور به اینکار نیستید» و در محفل دیگر با زنان در قصر دلکشا به آنها گوشزد کرد که با مردان در کارها سهم مساوی گیرند و در چهار دیوارخانه به قسم محبوس نباشند و گفت: «زنان اروپائی در فابریکه ها کار

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

میکنند، لاکن زنان افغان که جسماً قویتراند، در انکشاف کشور سهم نمیگیرند، زیرا علت آن چادری است که در هیچ جا قابل قبول نیست.» (استیوارت، ریه تالی: "آتش در افغانستان 1919 - 1929"، مترجم: یارمحمد کوهسار کابلی، چاپ اول، پشاور، 1380، صفحه 58)

## لویه جرگه 1307 و رویدادهای مربوطه، بخصوص به ارتباط زنان:

وقتی اعلیحضرت پس از سفر به دوازده کشور که بیش از هفت ماه بطول انجامید، از راه قندهار به کابل مواصلت کرد، مردم کابل برای سه روز بازگشت او را جشن گرفتند و از او و هیئت معیتی او به گرمی استقبال کردند. آدمک می نویسد: «بعد از آن امان الله برای استراحت چند روز به پغمان رفت. پادشاه افغانستان نمیتوانست برای مدت طولانی غیرفعال باشد، زیرا او امر داده بود تا لویه جرگه دایر شود.... یک هزار نماینده از سران قبایل، اشخاص برجسته قراء و اعضای علمای دینی گرد هم جمع آمده بودند. آنها مجبور ساخته شدند تا دستارها و لباسهای عنعنوی و محلی خود عوض کنند و به پوشیدن کرتی و پتلون سیاه و پیراهن سفید و نکتائی سیاه و کلای شپوه نرم و سیاه وادار شدند. این لباس بطور تحفه از طرف دولت برای نمایندگان ملت تهیه گردیده و در همه اوقاتیکه در پغمان بودند، آنرا می پوشیدند.» (یک تعداد اعضای لویه جرگه 1307 پغمان با لباس مخصوص)



لویه جرگه بتاريخ 6 سنبله 1307ش (29 آگست 1928) در پغمان دایر گردید و مدت پنج روز دوام کرد که بطور کل بحث های آزاد و جدی بین اعضای لویه جرگه و دولت در مسائل مختلف صورت گرفت. متأسفانه مثل لویه جرگه قبلی درباره رویداد های مکمل این لویه جرگه گزارش مفصل در دست نیست و شاید به دلیل اینکه این لویه جرگه در حالی

برگزار شد که کشور در یک نوع آرامش قبل از طوفان قرار داشت و جریان لویه جرگه و سپس تدویر کنفرانس ها در قصر ستور از یکطرف و نارضایتی نمایندگان و حلقات محافظه کار مذهبی از طرف دیگر فرصت تدوین و نشر رویداد را میسر ن ساخت و اگر اسنادی هم در دست بود، با وقوع اغتشاش سقوی و سقوط سلطنت امانی از بین برده شدند.

قابل ذکر است که قبل از تشکیل این لویه جرگه جراید نیمه رسمی پایتخت به تبلیغات آغاز نموده و به مردم توصیه کردند که بجای شخصیت های محافظه کار و متعصب دینی - مذهبی، باید اشخاص خبره و میانه رو را به نمایندگی خویش انتخاب دارند (نوید، سنزل: "واکنش های مذهبی ..."، صفحه 173 به استناد جریده انیس، مورخ 27 جولای و 5 آگست 1928)

آدمک می نویسد: «امان الله جلسه اول را چنان افتتاح کرد که در آن وانمود ساخت که او به حیث زمامدار افغانستان حرف نمی زند و آنها را به قبول پیشنهادهای خود مجبور نمیسازد. برای آنها گفت که وظیفه شان است تا آزادانه درباره کشور خود تبادل افکار کنند و صحبت نمایند، مگر اصرار ورزید که به فیصله ای که توسط اکثریت آراء گرفته میشود، احترام کرد و به آن پایدار ماند و

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکی په خیر و لولئ

مخالفت نمایندگان ملت را به تصامیم اکثریت آراء خیانت به خود، به خانواده، به ملت و به پیغمبر (ص) تلقی کرد. امان الله قرار گذاشت که هرچه با دین اسلام مغایرت داشته باشد، نمیتواند مورد بحث قرار گیرد.»

عمده ترین فیصله روز اول اجلاس لویه جرگه، موضوع تشکیل شورای ملی بود. آدامک در زمینه می نگارد: «در جلسه اول فیصله شد که شورای دولت باید با یک پارلمان یا شورای ملی که توسط ملت آزادانه انتخاب شود، تعویض گردد. اشخاص رسمی حکومت نمیتوانند به عضویت شورای ملی انتخاب شوند. شورای ملی باید با لویه جرگه هم آهنگی داشته باشد.»

در جلسه روز دوم مورخ 7 سنبله 1307 لویه جرگه قیود و شرایطی را وضع کرد که قدرت عفو از قضات و حکام گرفته شود و این قدرت تنها برای پادشاه تفویض گردد؛ از رشوه، سوء استفاده و زجر و دشنام دادن جلوگیری شود؛ یک هیئت تحقیق و تفتیش مستقل تشکیل گردد تا به مظالم و شکایات ولایات رسیدگی کند؛ مدت خدمت عسکری از دو سال به سه سال تمدید یابد و برای همه اجباری باشد، در آن استثناء نمیگنجد و نه عوضی گرفتن مجاز دانسته میشود؛ تطبیق تعزیر ممنوع شود زیرا ساحه آن بسیار وسیع است از پیشانی ترشی تا حکم قتل را در بر میگیرد، لذا جزا ها باید بصورت قاطع تعریف و مشخص گردند؛ بالاخره به تقاضای اعضای لویه جرگه و تطبیق درست مالیات بر مواشی، لازم دیده شد تا هر سال سرشماری و احصائیه گیری مواشی صورت گیرد. (لویه جرگه بروز جمعه 8 سنبله تعطیل گردید)

در اجلاس روز سوم لویه جرگه (مورخه 9 سنبله) درباره الغای القاب رسمی و اجتماعی معمول و ترویج لباس های ساده بجای لباس های فاخره و پر زرق و برق رسمی تصمیم اتخاذ گردید و نیز فیصله بعمل آمد: ملاء هائیکه به حیث امام، معلم یا واعظ وظیفه داشتند، باید بعد از امتحان و اخذ تصدیق نامه اجازه دارند تا وظایف خود را انجام دهند. علاوه ملاء هائیکه از خارج آمده، بخصوص آنهائیکه از مدرسه دیوبند هند فارغ التحصیل شده بودند، برای شان اجازه داده نشود که داخل افغانستان به گردش بپردازند. همچنان فیصله شد محاکم عصری که در حال تأسیس اند، باید قرار خود را به اساس سند و شواهد صادر کنند، نه آنکه توسط اصول قدیمه گواهی و شهادت.



(یک عکس تاریخی: شاه امان الله و ملکه ثریا در جمع وکلای لویه جرگه - شاه در ردیف وکلاء با لباس نظامی نشسته در ردیف دوم و ملکه در ردیف آخر با کلاه و بدون روبند)

در جلسه روز چهارم (مورخه 10 سنبله) لویه جرگه به مباحثه پیرامون قانون مامورین و موضوعات مربوط آن بخصوص ثبت دارائی مامورین در آغاز و ختم ماموریت و نیز تعیین معاش مامورین بوسیله شورای ملی پرداخت. از همه مهمتر تصمیم گرفته شد که مامورین دولت نمیتوانند بیش از یک زن داشته باشند. علاوه پیشنهاد شد تا حداقل سن ازدواج برای پسران 22 سالگی و برای دختران 18 سالگی

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

تعیین گردد، اما این نظر بعد از مباحثات زیاد به اکثریت مطلق آراء رد شد، زیرا با اصول اسلامی همخوانی نداشت. در اخیر مجلس چهارم، امان الله شاه پیشنهاد کرد که خانم او به حیث ملکه و پسرش شهزاده رحمت الله را که در آنوقت شش ساله بود، به حیث وارث تاج و تخت و ولیعهد افغانستان بشناسند. این پیشنهاد اخیر با کف زدن‌ها و هلله زیاد پذیرفته شد و تثبیت گردید.

یکی از پرجنجال ترین اقدامات عصر امانی موضوع رفع حجاب بود که حتی در سقوط رژیم نقش بسیار عمده بازی کرد. در نتیجه همین طرز فکر بود که شاه امان الله در لویه جرگه پغمان (1307) از ملکه ثریا خواست تا به حیث اولین زن افغان روپوش خود را در حضور نمایندگان مردم بطور رسمی از چهره بردارد و بدینوسیله به رفع حجاب یعنی انصراف از پوشانیدن روی و دستها رسمیت دهد. لویه جرگه نه تنها به رفع حجاب مهر تائید نگذاشت، بلکه اکثر نمایندگان از این پیش آمد شاه و ملکه منزجر گردیدند و حتی بعضی ها صدای اعتراض را نیز بلند کردند. رفع حجاب بزعم شاه امان الله برداشتن برقع (چادری) بود که برطبق عنعنه زنان مکلف به پوشیدن آن بودند. او ستر شرعی را که شامل کف دستها و روی زن نیست و بارعایت آن زن میتواند بکار و مشغله متناسب به حال خود بپردازد، قبول داشت و حتی به قول وکیلی پولزائی شاه در لویه جرگه پغمان گفت: "من مسئله حجاب را آزاد میگذارم" و علاوه کرد: "تنها چیزیکه رعایت آنرا مینمایم مسئله ستر شرعی است، یعنی اگر دیدم بیشتر از حدودیکه در شرع انور آمده است مثلاً دستها الی بند و روی الی زنج، اگر بیش از این بی ستر دیدم، مجازات و از آن جلوگیری خواهم کرد" (وکیل پولزائی: "سفرهای غازی امان الله شاه...، صفحه 277)

مگر در مورد رفع حجاب زنان، مخصوصاً اینکه شاه از ملکه خواست تا روپوش خود را رسماً در حضور نمایندگان از چهره بردارد، مجلس بسیار هیجانی شد و آتش خشم نمایندگان که قبلاً از طریق پروپاگند دشمنان و نشر عکس های جعلی ملکه حین سفر اروپا و عدم رعایت حجاب در "ملک کفر" برافروخته شده بود، به شدت شعله ور گردید. حینیکه نمایندگان به محلات خود برگشتند، جریان را به اطلاع مردم رسانیدند و شایعه دشمنان را که گویا "شاه کافر شده است"، بیش از پیش تقویه کردند.

شاه و ملکه بعد از برگشت از سفر اروپا، یکعده خانمها را تشوق کردند تا انجمنی را برای دفاع از حقوق زنان تشکیل دهند. این انجمن بنام انجمن حمایت نسوان در ماه جولای 1928 تاسیس شد و در راس آن یکی از خواهران شاه قرار داشت و تعداد اعضای آن بالغ بر 22 زن بودند. انجمن در حقیقت شکل یک مرجع دفاعی و نیمه قضائی را داشت که شکایات زنان را از شوهر ان شان بررسی میکرد، از جمله طور مثال ندادن نفقه کافی برای زن و یا لت و کوب زن از طرف شوهر و یا طلاق بدون موجب و غیره. انجمن یک هیئت رسیدگی به حال زنان را توظیف کرد تا به زنان مستقیماً به تماس شده و مشکلات شانرا دریافته و در صدد رفع آن برآید و حتی از زنان پیر خواسته شد تا بخانه ها بروند و جویای احوال زنان گردند. (استیوارت، ریه تالی: "آتش در افغانستان..."، مترجم: یارمحمد کوهسار کابلی، صفحه 71)

همچنان به تعداد 12 نفر از بین اعضای این انجمن حمایت زنان در لویه جرگه 1307 پغمان به حیث وکلای طبقه نسوان تعیین شدند که تقریباً بیشترین آنها منسوب به آنعده خانواده های افغان بودند که در زمان امیر عبدالرحمن خان در هند برتانوی تبعید شده و در آنجا بدنیا آمده و با تمدن عصری آشنا بودند و هم زبان خارجی را میدانستند. این اولین بار است که زنان کشور در مجمع بزرگ ملی و تقنینی در کنار مردان با حقوق مساوی، البته در صف جداگانه اشتراک کردند. این نمایندگان مشتمل بودند بر:

د پانوی شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

- 1- شاهراه ملقب به شریجان خان حبیب الله خان طرزی؛ 2- سامیه همسر محمد کبیرخان سراج؛ 3- شهزاده بیگم ملقب به بی بی گل همسر محمد حیدر خان اعتمادی خواهر محمد نادر خان؛ 5- حضرت بیگم ملقب به شاه کوکو والدہ فیض محمد خان زکریا؛ 6- محبوب ملقب به ماه گل همسر احمد علی خان سلیمان؛ 7- حمیرا ملقب به کوکوجان همسر محمد رفیق خان؛ 8- فخری همسر محمود خان یاور؛ 8- شهناز همسر امین الله خان؛ 9- حبیبہ ملقب به بوبوگل همسر محمد یونس خان؛ 10- همسر عبدالله خان بلوکمشر؛ 11- همسر محمد حسین خان تولیمشر؛ 12- بوبوگل والدہ سردار بی بی همسر امین الله خان. (برای شرح مزید دیده شود: اسکینازی، می: "زنان افغان..."، صفحه 11 و 12)



آخرین جشن استقلال عصر امانی که در سنبله 1307 در پغمان برگزار گردید و برای تماشای یک نمایش سپورتی تعداد کثیر مردم حضور بهم رسانیده و در این عکس تعدادی از خانمهای افغان در ردیف دوم دیده میشوند که فقط با انداختن یک روبند و کلاه به سر دیده میشوند.

مسلم است که مخالفت و برخورد عنعنہ گراها و عناصر محافظه کار در برابر تجدد و نوآوریها در جوامع مختلف همیشه با یکنوع مقاومت برضد تحول همراه بوده که حتی بعضاً با قیامهای مسلحانه و سقوط رژیم ها و حکومت کشورها منتج شده است. در جامعه مردسالار افغانستان که زنان جز ملکیت شخصی مرد شناخته میشوند و قادر به دفاع از حقوق خود نیستند، هر نوع تلاش برای رهایی آنها از طرف دولت و اصلاحات دستوری از بالا بطور عموم با مقاومت های نسبی مواجه گردیده است. این مقاومت ها در عصر امانی بیشتر از آنکه در سطح ملی و مردمی تبارز کند، در سطح قشری و توسط گروپهای علاقمند به قدرت براه انداخته شد که بدون شک در عقب آن دست قوی انگلیس ها بطور محسوس و اما غیرمرئی فعال بود.

در روز اخیر اجلاس لویه جرگه (مورخه 11 سنبله مطابق دوم سپتمبر) اعلیحضرت از لویه جرگه تقاضا کرد تا بیرق ملی جدید افغانستان را تصویب نمایند. او گفت که: یکی از الوان رنگ بیرق باید سیاه باشد تا دوره ماتم و بدبختی را که افغانستان کاملاً آزاد نبود، بیاد آورد، همچنان به اساس پیشنهاد

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکي په خیر و لولئ

او بیرق کشور حاوی سه رنگ سیاه، سرخ و سبز باشد که در آن سمبول آفتاب سرکشیده از قله های پربرف و به دوطرف آن خوشه های از گندم و در وسط آن نام "الله" به حیث نشان بیرق ثبت شود.

آدامک در این باره از شاه مان الله نقل قول میکند که رنگهای بیرق و نشان آنرا چنین تعبیر کرده است: «رنگ سیاه را رنگ ماتم و زمانیکه افغانستان تحت حمایت غیر بود، رنگ سرخ - رنگ قطرات خونی است که برای کسب آزادی ریختانده شده است و از آن نمایندگی میکند که آزادی خون بهای ما است و رنگ سبز - رنگ امیدواری، نوید، آزادی و پیشرفت هایی است که در آینده نصیب مان میشود. کوه ها مثل افغانستان است و طلوع آفتاب پیشرفت و انکشاف افغانستان را به نمایش میگذارد، خوشه گندم علامه است که احمد شاه بابا آنرا در تاجپوشی در سال 1747 (1126ش) بر سر خود نهاد و گفت که من به تاج دیگر ضرورت ندارم.» (آدامک، لودویک: "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، مترجم: پوهاند محمد فاضل صاحبزاده، ....، صفحات 189 تا 193)

با این ترتیب لویه جرگه بتاريخ 11 سنبله 1307 (2 سپتمبر 1928) به پایان رسید، اما اعلیحضرت فرصت نیافت یا لازم ندید تا راجع به دیگر موضوعات مورد علاقه خود در لویه جرگه ابراز نظر کند و شاید هم به دلیل اینکه فکر میکرد اعضای لویه جرگه به آن چندان علاقمند نخواهند بود. لذا او تصمیم گرفت ادامه موضوعات را در یک فضای دیگر به سمع مردم و به خصوص مامورین عالیرتبه نظامی و ملکی دولت، اعضای شورای دولت و تعدادی از روشنفکران و معاریف و بزرگان شهر کابل با خانم های شان برساند. به همین دلیل اعلیحضرت یک ماه بعد از ختم لویه جرگه بتاريخ 10 میزان (2 اکتوبر) برای چهار روز متواتر الی 13 میزان (5 اکتوبر) جلسات دیگر را با اشتراک در حدود 600 نفر به شمول اعضای کوردپلماتیک و خانم های شان در قصر ستور (وزارت خارجه) دائر کرد، اما دو روز قبل از آن یعنی بروز 8 میزان یکی از اقدامات بینظیر و تاریخی در کشور رویدست گرفته شد که مقدمات آن حین اقامت شاه و ملکه در ترکیه تدارک دیده شده بود و آنهم اعزام یک تعداد دختران جوان افغان جهت تحصیل به ترکیه بود که گزارش آن ذیلاً تقدیم میشود.

(ادامه دارد)

---

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ